



RAHNAMA
P R E S S

@RAHNAMAPRESS
WWW.RAHNAMAPRESS.COM

Dictionary of Interpreting Studies



Vorya Dastyar



A

A-B Interpreting → RETOUR INTERPRETING

A-Language → ACTIVE LANGUAGE

Abstracting

چکیده‌گویی

این اصطلاح به یکی از فنون مترجم شفاهی اشاره می‌کند که با استفاده از آن مترجم شفاهی، به‌منظور کنترل بار سنگین اطلاعاتی و مقابله با فشار ذهنی ناشی از پردازش اطلاعات، به جای دنبال کردن لفظ به لفظ سخنران، به خلاصه‌سازی سخنان او در قالب ایده و مفاهیمی می‌پردازد تا بتواند آنها را هم به سهولت به یاد آورد و هم بتواند ترجمه خوبی ارائه کند. از اصطلاح *condensing* هم برای فن چکیده‌گویی استفاده می‌شود.

COMPRESSION, SUMMARY INTERPRETING

نیز نک.

Accuracy

صحت

ویزی (۲۰۱۳) صحت را، بعد از «تبادل» (*equivalence*)، عامل دوم «کیفیت» (*quality*) می‌داند. اصل صحت در ترجمه شفاهی از جهات گوناگون مورد توجه است:

2/ Active Interpreter

بعضی‌ها صحت را تنها در محتوای گزاره‌ای (propositional accuracy) می‌بینند و بعضی دیگر این اصل را با ترجمه کلمه به کلمه، بخصوص در ترجمه شفاهی دادگاهی (court interpreting)، یکسان می‌دانند. گروه سومی هم هستند که حد وسط دو گروه فوق هستند. هال (۲۰۰۴) اصل صحت را به معنای «بازسازی منظورشناختی زبان مبدأ در زبان مقصد» می‌داند. دیدگاه هال با دیدگاه هاوس (۱۹۷۷) در این زمینه یکسان است. هال (۲۰۰۷) این بحث را تکمیل‌تر کرده و می‌گوید که ترجمه صحیح باید در سطح گفتمان (discourse) انجام شود، و با در نظرگیری جنبه منظورشناختی زبان، تأثیر متن مبدأ بر مخاطب مبدأ را برای مخاطب مقصد بازسازی کند. فاولر و دیگران (۲۰۱۳) بالاترین اهمیت را برای اصل صحت در «ترجمه شفاهی حقوقی» (legal interpreting) قائل می‌شوند زیرا آنها اینگونه استدلال می‌کنند که کوچک‌ترین اشتباه مترجم شفاهی می‌تواند موجب بی‌عدالتی شود. آنها در ادامه به نکته مهمی اشاره می‌کنند: مترجم شفاهی، در عین حال که نهایت تلاش خود را می‌کند تا ترجمه‌ای صحیح ارائه کند، نباید تحت هیچ شرایطی با ارائه توضیحات و اضافات سعی کند آنچه در دادگاه گفته می‌شود را برای مشتری روشن‌تر و واضح‌تر کند، و به قول معروف، سعی نکند کاسه داغ‌تر از آتش شود. از دیگر ملاحظات مهم در اصل صحت، میزان دقت مترجم شفاهی در انتخاب‌های واژگانی است که بر کیفیت ترجمه تأثیر بسزایی دارد.

APPROPRIATENESS, COURT INTERPRETING, EQUIVALENCE, نیز نک.
 FIDELITY, QUALITY, USABILITY

Active Interpreter

مترجم شفاهی اصلی

منظور از این اصطلاح مترجم اصلی کنفرانس است که به ارائه ترجمه می‌پردازد. گاهاً داخل کابین، یک «مترجم دستیار» (co-interpreter) هم همراه مترجم اصلی است و به

سخنرانی‌ها و ترجمه‌های همکارش گوش می‌کند و در صورت لزوم به او کمک می‌کند.

CO-INTERPRETER, PIVOT نیز نک.

Active Interpreting → RETOUR INTERPRETING

زبان فعال **Active language**

به بیان جونز (۱۹۹۸)، زبان فعال زبانی است که مترجم شفاهی به آن ترجمه می‌کند و آن را معمولاً A-language می‌نامند. اصطلاح B-language هم به مفهوم سایر زبان‌های فعالی که مترجم بر آنها تسلط دارد و به آنها ترجمه می‌کند بکار می‌رود.

LANGUAGE REGIME, PASSIVE LANGUAGE, WORKING LANGUAGES نیز نک.

مترجم شفاهی آموزش ندیده / موردی **Ad hoc Interpreter**

این اصطلاح در حوزه ترجمه شفاهی به دو معنا بکار می‌رود: الف) دوزبان‌هایی که هیچ آموزشی در زمینه ترجمه شفاهی ندیده‌اند. ب) مترجم شفاهی که در محیط‌های پزشکی ترجمه شفاهی موردی ارائه می‌کند. فرح زاد (۱۳۹۴) این نوع از مترجمان شفاهی را از گروه دیگری از مترجمان که اصطلاحاً «کارمند-مترجم» (dual-role interpreter) نامیده می‌شوند، متمایز می‌داند.

CHILD LANGUAGE BROKERING, COMMUNITY INTERPRETING, DUAL-ROLE INTERPRETER, NATURAL INTERPRETER نیز نک.

Ad hoc Interpreting → COMMUNITY INTERPRETING

4/ Anticipation

Anticipation

پیش‌بینی

این اصطلاح به تکنیکی در ترجمه شفاهی همزمان اشاره دارد که بیشتر از هر تکنیک دیگری مورد بحث قرار گرفته است، اما متأسفانه مترجمان شفاهی، آنطور که باید، به اهمیت آن واقف نیستند. وبر (۱۹۸۴/۱۳۷۸) یکی از مهم‌ترین استعدادهای مترجمان شفاهی همزمان را توانایی پیش‌بینی می‌داند و بر آن تأکید می‌کند. مترجم شفاهی ترجمه خود را در حالی شروع می‌کند که نمی‌داند چگونه آن را به پایان خواهد رساند، و این اصلاً حس خوبی برای این فرد در چنین موقعیت پرتنشی نیست. از این گذشته، یک سخنران ویژه با لحن صحبت خاص، یا یک وضعیت غیرمنتظره می‌تواند حرفه‌ای‌ترین مترجم را غافلگیر کند. پس او باید توانایی پیش‌بینی داشته باشد. واندپیت (۲۰۰۱) تکنیک توانایی پیش‌بینی را اینگونه تعریف می‌کند: تولید (بخش‌هایی از) پیش‌فرض‌هایی از سخنان گفته نشده سخنران یا گوینده توسط ذهن (مترجم شفاهی). واندپیت (همانجا)، با استناد به ویلس (۱۹۷۸)، هدف اصلی از تکنیک پیش‌بینی را «دستیابی به کُنش (performance) بهینه در ترجمه شفاهی همزمان» معرفی می‌کند. مترجم شفاهی، با استفاده از این تکنیک، یک بُرش معنایی را در زبان مقصد تولید می‌کند که سخنران مبدأ هنوز تولید نکرده است، حقیقتی که شلسینگر (۱۹۹۵) آن را خطیّت (linearity) می‌نامد: قرار گرفتن تدریجی متن در دسترس مترجم. ناگفته نماند که تکنیک پیش‌بینی بر دو نوع است: «پیش‌بینی زبانی» (linguistic anticipation) و «پیش‌بینی فرازبانی» (extralinguistic anticipation). لِوِرر (۱۹۷۸) پیش‌بینی زبانی را پیش‌بینی زبان و پوچ هکر (۲۰۰۴) آن را پیش‌بینی واژگان می‌داند، و هر دو (همانجا) پیش‌بینی فرازبانی را به صورت پیش‌بینی معنا تعریف می‌کنند. در مقایسه با پیش‌بینی زبانی، پیش‌بینی فرازبانی به دانش مترجم درباره کنفرانس، موضوع و سخنرانان آن بستگی دارد. ژیل (۱۹۹۵/۲۰۰۹) استفاده از این تکنیک جهت رفع ابهام را عامل تسهیل ادراکی مترجم شفاهی می‌داند، که این می‌تواند تأثیر بسیار مثبتی بر کُنش

مترجم شفاهی (performance) بگذارد، و البته می‌تواند او را از مترجم غیر حرفه‌ای متمایز سازد.

INTERPRETING STRATEGIES/TECHNIQUES نیز نک.

Anxiety → STRESS

Appropriateness

مناسبت

ویزی (۲۰۱۳) این عامل را، بعد از «تعالی» (equivalence) و «صحت» (accuracy)، عامل سوم «کیفیت» (quality) می‌داند. از نظر او، عامل «مناسبت» به معنای «تولید متنی در زبان مقصد است که بر موانع فرهنگی فائق آمده و انتظارات مخاطب همراه با هنجارهای (norm) مرتبط با متون مورد گفتگو در موقعیتی ارتباطی را برآورده و مراعات می‌کند». نکته مهم این است که در بعضی موقعیت‌ها مانند «ترجمه شفاهی تلویزیونی» (television interpreting) می‌توان عامل مناسبت را بر عامل «صحت» اولویت بخشید، اما در «ترجمه شفاهی دادگاهی» (court interpreting) این کار اصلاً درست نیست چرا که با توجه به ماهیت این نوع از ترجمه شفاهی، محیط دادگاه، لزوم ترجمه اسناد و مدارک حقوقی در محضر دادگاه، و در میان بودن آبرو و سرنوشت مشتری، عامل صحت بیش از هر عامل دیگری تعیین کننده کیفیت ترجمه (quality) است.

ACCURACY, EQUIVALENCE, QUALITY, USABILITY نیز نک.

Assessment

ارزشیابی

این اصطلاح به «کیفیت سنجی» (quality assessment) ترجمه مترجمان شفاهی در محیط‌های حرفه‌ای متفاوت مانند دادگاه، کنفرانس‌ها، نشست‌ها، موقعیت‌های پزشکی و غیره اشاره دارد. با توجه به این که ترجمه شفاهی، در اصل، فرایند ایجاد ارتباط

6/ Assistant Interpreter

بهینه بین طرفین گفتگو است و ارتباط از ابعاد و جهات گوناگون قابل بررسی است، اصل ارزشیابی اهمیت خاصی دارد و خود در ارتباط تنگاتنگی با عوامل گوناگونی از جمله مهارت‌های مترجم، نقش (role) مترجم و اصل اخلاق (ethics) تعریف می‌شود و از آنها تأثیر می‌پذیرد. از دید بارتلومیچیک (۲۰۰۷)، ارزشیابی، علاوه بر بافت تحقیقات علمی، می‌تواند در حوزه‌های عملی مانند ارزشیابی کارآموزان در دوره‌های تربیت مترجم شفاهی و یا بهبود مهارت‌های ترجمه شفاهی خود از طریق نقد شنیداری ترجمه‌های ضبط شده خود نیز کاربرد داشته باشد.

ETHICS, QUALITY, ROLE, SKOPOS THEORY نیز نک.

Assistant Interpreter → CO-INTERPRETER

Asylum Interpreting

ترجمه شفاهی ویژه پناهندگان

این اصطلاح برای نوعی از ترجمه شفاهی بکار می‌رود که برای پناهندگان به سایر کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. از دید بیکر و سالدانها (۲۰۰۹)، هدف از این نوع ترجمه بررسی صحت و سقم ادعای فرد پناهنده در ارتباط با نیاز به زندگی در امنیت در کشور مقصد است و از این رو، گاهی از مترجم شفاهی خواسته می‌شود که ادعاهای فرد پناهنده را به صورت مکتوب تحویل مقامات مربوطه دهد. از نکات مهم در مورد این نوع از ترجمه شفاهی این است که، آنگونه که نیسکا (۲۰۰۲) می‌گوید، با توجه به حساس بودن موقعیت و در میان بودن زندگی و امنیت فرد پناهنده، لازم است که حتماً از «مترجم شفاهی حضوری» (live interpreter) استفاده شود. نکته مهم دیگر این است که این پناهندگان، از آنجایی که به خاطر موقعیتشان دچار فشارهای روحی و یا شکنجه شده‌اند و یا اعضای خانواده‌شان را از دست داده‌اند، معمولاً به یاور و پشتیبان احتیاج دارند، و از این رو، «نقش» (role) مترجم شفاهی در چنین موقعیتی را باید از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داد. در این زمینه، پوچ هکر

(۲۰۱۱)، با نقل از پولابوئر (۲۰۰۶)، چالش‌های مترجم شفاهی را در تعارض نقش و دوراهی‌های اخلاقی ناشی از نقش‌های متناقضی می‌داند که این مترجمان می‌پذیرند.

نیز نک. ROLE

Automatic Interpreting

ترجمه شفاهی خودکار

این اصطلاح به نوعی از ترجمه شفاهی گفته می‌شود که شاید بتوان به کمک نرم‌افزارهای ترجمه ماشینی و پیشرفت فناوری انجام داد. البته با توجه به پیچیدگی‌ها و ظرایف باورنکردنی ترجمه شفاهی و تنوع شاخه‌های آن، مهارت‌های مترجم شفاهی و ماهیت این حرفه، اینکه بتوان در آینده، ترجمه شفاهی کاملاً خودکار ارائه نمود، امری ممکن نمی‌نماید و در حاله‌ای از ابهام قرار دارد.

B

B-A Interpreting→ PASSIVE INTERPRETING

B-Language→ ACTIVE LANGUAGE

Balanced Bilingual→ BILINGUALISM

Biculturalism

دوفرهنگه بودن

به بیان مولایم و دیگران (۲۰۱۵)، منظور از این اصطلاح در ترجمه شفاهی، نه تنها دانش مرتبط با آداب و رسوم، بلکه دانش مربوط به نظام‌های دولتی، اجرایی، قضائی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی در حوزه دو فرهنگ است که مترجم شفاهی باید داشته باشد. نکته مهم در اینجا این است که ضرورت داشتن چنین دانشی نباید از مترجم شفاهی یک مشاور، وکیل، پزشک و غیره بسازد؛ مترجم شفاهی باید از چنین دانشی برای ارائه ترجمه بهینه استفاده کند. به نظر می‌رسد که کاربرد و مفهوم خاص این اصطلاح در ترجمه شفاهی از موارد مهمی است که از طرفی، مترجم را از فرد دوزبانه (bilingual) متمایز می‌سازد و از طرف دیگر، حوزه «توانش» (competence) مترجم شفاهی را هرچه مشخص‌تر و، در عین حال، حساس‌تر می‌سازد.

Bidirectional Interpreting

ترجمه شفاهی دوسویه

در این نوع ترجمه شفاهی، مترجم مسلط بر دو زبان الف و ب می‌تواند به دلخواه از هر کدام از این دو زبان به دیگری ترجمه کند. محمودزاده (۱۳۸۸ب) شرط لازم برای این کار را توانایی کامل مترجم شفاهی در مهارت‌های گوش دادن، درک کردن و صحبت کردن به هر دو «زبان درکار» (working language) مورد نظر می‌داند.

DIRECTIONALITY, UNIDIRECTIONAL INTERPRETING, WORKING LANGUAGES نیز نک.

Bilateral Interpreting

ترجمه شفاهی دوسویه

همان « ترجمه شفاهی رابط مدار» (liaison interpreting) است.

LIAISON INTERPRETING

نیز نک.

Bilateral Consecutive Interpreting → COMMUNITY INTERPRETING

Bilingual Professional → ROLE

Bilingualism

دوزبانگی

این اصطلاح اهمیت خاصی در ترجمه شفاهی دارد. بنا به تعریف واین رایش (۱۹۵۳)، بکارگیری پیاپی دو زبان را می‌توان دوزبانگی نامید. محمودزاده (۱۳۸۸ب) با نقل از واین رایش سه نوع دوزبانگی را نام می‌برد: الف) «دوزبانگی همپایه» (compound) که دو زبان را در یک محیط زبانی یاد می‌گیرد، ب) «دوزبانگی هماهنگ» (coordinate) که هریک از زبان‌ها را در یک محیط زبانی متفاوت یاد می‌گیرد، و ج) «دوزبانگی وابسته» (subordinate) که زبان دومش را از طریق زبان مادری می‌آموزد. مولایم و دیگران (۲۰۱۵) دوزبانگی در ارتباط با ترجمه شفاهی را به صورت توانایی گفتار روان در دو

Consecutive Interpreting (CI)	مۀ شفاهی بیایی
Classic/Long/True Consecutive	ترجمۀ شفاهی بیایی کلاسیک
Proximate Consecutive Interpreting	ترجمۀ شفاهی بیایی مستقیم
Healthcare/Hospital/Hospital-Based/Medical Interpreting	ترجمۀ شفاهی پزشکی/ویژۀ بیمارستان
Bilateral Consecutive Interpreting	ترجمۀ شفاهی بیایی دو سویه
Consec-Simul with Notes	ترجمۀ شفاهی بیایی-همزمان همراه با یادداشت برداری
On-Screen Interpreting	ترجمۀ شفاهی تصویری
Videophone Interpreting	ترجمۀ شفاهی تصویری-شنیداری
Unidirectional Interpreting	ترجمۀ شفاهی تک سویه
Telephone Interpreting	ترجمۀ شفاهی تلفنی
Television Interpreting	ترجمۀ شفاهی تلویزیونی/ویدیویی
Contact/In-person/Live/On-Site Interpreting	ترجمۀ شفاهی حضوری/در محل
Legal Interpreting	ترجمۀ شفاهی حقوقی
Automatic Interpreting	ترجمۀ شفاهی خودکار
Conferencing Interpretation	ترجمۀ شفاهی دقیق
Bilateral Interpreting	ترجمۀ شفاهی دو سویه
Sight Interpretation/Simultaneous With Text	ترجمۀ شفاهی دیداری
Relay Interpretation	ترجمۀ شفاهی رابطۀ مدار
Broadcast/Media Interpreting	ترجمۀ شفاهی رسانه‌ای
Studio-Based Media Interpreting	ترجمۀ شفاهی رسانه‌ای داخل استودیو

Anticipation	پیش‌بینی
Linguistic Anticipation	پیش‌بینی زبانی
Extralinguistic Anticipation	پیش‌بینی فرازبانی
Transformation Task	تمرین گشتار
Interpreting Research	تحقیق در ترجمه شفاهی
Interpreter Training	تربیت مترجم شفاهی
Translating/Translation	ترجمه
Sight Translation	ترجمه خوانشی/دیداری
Interpretation/Interpreting/Oral Translation	ترجمه شفاهی
Educational Interpreting	ترجمه شفاهی آموزشی
Tele-Interpreting	ترجمه شفاهی از دور
	ترجمه شفاهی از راه دور/غیر حضوری
Remote/Remote Telephone/ Video/ Video Relay Interpreting	ترجمه شفاهی از راه دور ویدیو بنیان
Videoconference-based Remote Interpreting	
Child Language Brokering	ترجمه شفاهی افراد کم سن و سال
Community-Based Interpreting	ترجمه شفاهی اقلیت محور
Community Interpreting	ترجمه شفاهی برای اقلیت‌ها
Tactile Interpreting	ترجمه شفاهی بساویی
Passive Interpreting	ترجمه شفاهی به زبان مادری
A-B/Active/Retour Interpreting	ترجمه شفاهی به زبانی غیر زبان مادری
Videoconference Interpreting	ترجمه شفاهی به شیوه کنفرانس ویدیویی
Parliamentary Interpreting	ترجمه شفاهی پارلمانی

فهرست فارسی به انگلیسی اصطلاحات

False Start	آغاز اشتباه
Interpreter Education	آموزش مترجم شفاهی
Word-Retrieval Training	آموزش بازیابی واژه
Décalage	اختلاف زمانی
Code of Ethics/Ethics	اخلاق
Mediated Interlingual Communication	ارتباط بینا زبانی واسطه‌ای
Assessment	ارزشیابی
Anxiety/Stress	استرس/فشار روحی
Inference	استنباط
Transcoding	رمزگردانی بین زبانی
Cognitive Load	بار ادراکی
Context	بافت
Improvisation	بداهه‌گویی
Delaying The Response/Stalling	به تأخیراندازی
Impartiality	بی‌طرفی
Visibility	پیدایی

نکاتی چند در مورد استفاده از این فرهنگ

- ۱- تمامی کلماتی که با حروف بزرگ نوشته شده‌اند خود از مدخل‌های اصلی این فرهنگ هستند. پس می‌توانید به مدخل موردنظر رجوع کنید.
- ۲- در داخل متن فرهنگ، لفظ خارجی اصطلاحات و بعضی واژه‌ها داده شده که بخش عمده آنها جزو مدخل‌های اصلی این فرهنگ هستند و خواننده می‌تواند به آنها مراجعه کند. این کار هم به منظور دقت بیشتر در مستندسازی مطالب، تأکید بر یادگیری لفظ خارجی هر اصطلاح و همچنین سهولت بیشتر در دستیابی خواننده به اصطلاح مذکور در فرهنگ حاضر انجام شده است.
- ۳- در انتهای بیشتر مدخل‌ها، عبارت «نیز نک.» همراه با اصطلاح یا اصطلاح‌هایی آمده است که تماماً با حروف بزرگ نوشته شده‌اند. این بدین معناست که به خواننده توصیه می‌شود به این اصطلاح یا اصطلاح‌ها «نیز نگاه کند» تا درک بهتری نسبت به موضوع مدخل مورد نظر پیدا کند.
- ۴- بعضی از اصطلاحات با علامت (→) به اصطلاح دیگری در فرهنگ ارجاع داده شده‌اند. این یعنی اینکه خواننده برای دستیابی به توضیح آن اصطلاح لازم است مدخلی که بعد از علامت (→) آمده است را در فرهنگ حاضر جستجو کند و بخواند.
- ۵- فهرست فارسی به انگلیسی اصطلاحات نیز به منظور سهولت بیشتر خواننده در دسترسی به آنها ارائه شده است.

پایان از جناب آقای صبایی، مدیر محترم انتشارات رهنما و جناب آقای علی بهرامی، عضو ارشد هیأت انتشارات رهنما که زمینه چاپ این اثر را فراهم کردند نهایت تقدیر و تشکر را دارم. همچنین از سرکار خانم ابراهیمی در انتشارات رهنما که بدون زحمات ایشان این کتاب آماده چاپ نمی‌شد، نهایت تشکر را دارم.

وریا دستیار

پاییز ۱۳۹۴

که معادلی یافت نشد معادل‌سازی کردم. برای بعضی از اصطلاح‌ها گاهاً دو یا چند معادل دیگر هم بدست آمد که آنها را هم در این فرهنگ ضبط کردم. پس از این مرحله، نوبت به شرح اصطلاح‌ها رسید. بر طبق روش همیشگی‌ام که اساس آن بر دقت و شفافیت است، نهایت سعی خود را کردم که فرهنگ حاضر فرهنگی مستند و دقیق باشد. بنابراین، شرح هر اصطلاح را با تکیه بر نزدیک کردن و مقایسه نظرات و دیدگاه‌های مستند صاحب نظران رشته ترجمه شفاهی نوشتم. هر جا که ارتباطی بین اصطلاح مورد نظر با اصطلاح‌های دیگر مندرج در سایر صفحات یافتم، در همانجا خواننده را ارجاع دادم. در کنار همه اینها، از تحصیلات آکادمیک خودم که تماماً در رشته مترجمی زبان انگلیسی بوده است و تجربیات حاصل از چندین سال تدریس درس ترجمه شفاهی در دانشگاه‌ها در نوشتن این فرهنگ بهره بردم.

مخاطب فرهنگ حاضر در وهله اول دانشجویان رشته مترجمی زبان انگلیسی در دانشگاه‌ها هستند که علاقمند هستند، با آشنایی با اصطلاحات ترجمه شفاهی، با این رشته هرچه بیشتر آشنا شوند و سپس وارد مرحله عملی آن شوند. مدرسان درس ترجمه شفاهی در دانشگاه‌ها این فرهنگ را در امر تدریس این درس مفید خواهند یافت و حتی می‌توانند آن را در صورت صلاحدید خود در کلاس، در کنار کارهای عملی ترجمه، به دانشجویان تدریس کنند تا بدین شیوه، زمینه آشنایی آنان با ترجمه شفاهی در بحث نظری و مقدمه‌سازی برای ورود به مرحله عملی آن را فراهم سازند. از طرفی، مترجمان حرفه‌ای که به ترجمه شفاهی اشتغال دارند، و همچنین محققان این حوزه، فرهنگ حاضر را راهنمای خوبی خواهند یافت. ناگفته نماند که در تألیف این فرهنگ، نهایت سعی خود را کردم تا پر کاربردترین و کلیدی‌ترین اصطلاحات ترجمه شفاهی را معرفی کنم، بنابراین، این فرهنگ می‌تواند راهنمای مفیدی در دست‌های علاقمندان ترجمه شفاهی باشد.

در مقام مؤلف فرهنگ حاضر، معتقد هستم که در مرحله اول، باید زمینه آشنایی با رشته ترجمه شفاهی در حد مطلوب فراهم شود. برای نیل به چنین هدفی، نیاز مبرمی به کتاب‌ها و فرهنگ‌ها در زمینه ترجمه شفاهی حس می‌شود. کتاب‌ها و مقالات انگشت‌شماری در زمینه ترجمه شفاهی در ایران به انگلیسی و هم به فارسی چاپ شده‌اند که همگی به نحوی سعی در معرفی این رشته به علاقمندان و مدرسان آن داشته‌اند، اما در حال حاضر، تا جایی که بنده اطلاع دارم، فرهنگی در زمینه اصطلاحات رشته ترجمه شفاهی نگاشته نشده است.

فرهنگی که در دست دارید اولین فرهنگ توصیفی دوزبانه است که به معرفی و توضیح اصطلاحات کلیدی رشته ترجمه شفاهی می‌پردازد؛ در واقع، فرهنگ حاضر به توصیف دقیق پدیده‌ای می‌پردازد که مترجم شفاهی عملاً با آن روبرو است. فرهنگ حاضر اهدافی را دنبال می‌کند: کمک به دانشجویان و مدرسان ترجمه شفاهی در آشنایی هرچه بیشتر و عمیق‌تر با این حوزه، کمک به بهبود وضعیت تدریس درس ترجمه شفاهی در دانشگاه‌ها، پر کردن جای خالی مطالب نظری در حوزه ترجمه شفاهی در کلاس‌های دانشگاه، و زمینه‌سازی برای موفقیت دانشجویان رشته مترجمی و علاقمندان ترجمه شفاهی که قصد دارند عملاً به این حرفه بپردازند.

به منظور تألیف این فرهنگ نیاز بود که ابتدا فهرست نسبتاً جامعی از اصطلاحات ترجمه شفاهی را در اختیار داشته باشم. به این منظور، حجم انبوهی از کتاب‌ها و مقالات در مورد ترجمه شفاهی و ابعاد مختلف آن که عمدتاً خارجی بودند، را به دقت مورد بررسی و تحقیق قرار دادم. به این ترتیب، نزدیک به سیصد اصطلاح کلیدی در حوزه ترجمه شفاهی را استخراج کردم که تمامی دانشجویان، محققان، استادان و سایر افرادی که با ترجمه شفاهی سر و کار دارند باید با آنها آشنایی کافی داشته باشند. برای ارائه معادل فارسی برای هر اصطلاح، با مراجعه به منابع مختلف سعی کردم از دقیق‌ترین و پذیرفته‌ترین معادل‌ها در فارسی استفاده کنم و در بعضی موارد

پیشگفتار

ترجمه شفاهی قدمتی بس طولانی دارد، قدمتی در حد قدمت بشر. ترجمه شفاهی با اینکه قدمتی طولانی دارد، اما به عنوان یک رشته دانشگاهی هنوز نوپا است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی مختلف به ویژه در کشورهای فرانسه، استرالیا، اتریش و آمریکا به آموزش و تربیت مترجم شفاهی می‌پردازند. در ایران، رشته مترجمی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های مختلف، و با عنوان «ترجمه» در مقطع دکتری در حال حاضر در دانشگاه‌های علامه طباطبائی، فردوسی و اصفهان دائر است. ترجمه شفاهی، به عنوان رشته در دانشگاه‌های ایران، در حال حاضر غائب است. با وجود این، در برنامه درسی مترجمی زبان انگلیسی در مقطع کارشناسی، ۶ واحد ترجمه شفاهی گنجانده شده است و در مقطع دکتری ترجمه هم دانشجوی، در صورت علاقمندی و بر اساس موضوع رساله دکتری، می‌تواند ۶ واحد ترجمه شفاهی انتخاب کند و بگذراند. چنین وضعیتی نیاز به آشنایی با ترجمه شفاهی، محتوا و نظریه‌های آن را دوچندان می‌کند.

در بیشتر کلاس‌های ترجمه شفاهی در دانشگاه‌های ایران، آنچه در کلاس کار می‌شود تفاوت چندانی با کلاس‌های گفت و شنود ندارد. به نظر می‌رسد آشنایی با ترجمه شفاهی و ماهیت دقیق آن اصلاً رضایت‌بخش نیست و نیاز به تحول اساسی دارد. از این گذشته، اگر قرار باشد رشته ترجمه شفاهی در دانشگاه‌های ایران برقرار شود، باید بسترسازی‌های لازم در زمینه آشنایی با این رشته صورت گیرد.

فهرست مطالب

۱.....	پیشگفتار
۵.....	نکاتی چند در مورد استفاده از این فرهنگ
۶.....	فهرست فارسی به انگلیسی اصطلاحات
1.....	مدخل‌ها و تعریف‌ها
150.....	مراجع

فرهنگ اصطلاحات مطالعات ترجمه شفاهی

فرهنگ حاضر اولین فرهنگ توصیفی دوزبانه در ایران است که به معرفی و توضیح اصطلاحات کلیدی رشته ترجمه شفاهی می پردازد؛ در واقع، این فرهنگ به معرفی و توضیح بیش از ۳۰۰ اصطلاح کلیدی در ترجمه شفاهی می پردازد که کسانی که با این حوزه سروکار دارند باید بدانند. این فرهنگ اهدافی را دنبال می کند: کمک به دانشجویان و مدرسان ترجمه شفاهی در آشنایی هرچه بیشتر و عمیق تر با این حوزه، کمک به بهبود وضعیت تدریس درس ترجمه شفاهی در دانشگاه ها، پر کردن جای خالی مطالب نظری در حوزه ترجمه شفاهی در کلاس های دانشگاه، و زمینه سازی برای موفقیت دانشجویان رشته مترجمی و علاقمندان ترجمه شفاهی. وریا دستیار کارشناس و کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی به ترتیب از دانشگاه های علامه طباطبائی و خوارزمی است و «فرهنگ کلمات همشین» از وی در انتشارات رهنما به سال ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است.



<http://www.rahnamapress.net>

Email:rahnamapress@yahoo.com